

مقدمه مؤلف

دوستان خوبم، سلام به همگی تون

وقتی قصد دارین این کتاب رو بخونین یا حتی اگه فقط دارین ورق می‌زنین که ببینین داخلش چه خبره، یعنی شما هم جزء بچه‌هایی هستین که امتحان تشریحی براتون مهم شده و تصمیم دارین با کمک یک منبع قابل قبول بهترین نمره رو در درس عربی به دست بیارین. دیگه حتماً همگی تون خبردار شدین که نمرات امتحانات تشریحی چه قدر می‌تونه در رسیدن به رشته و دانشگاه مورد علاقه‌تون تأثیرگذار باشه و البته متوجه هم شدین که رقبای اصلی شما چه قدر برای این امتحانات و نمراتش دارن تلاش و سرمایه‌گذاری می‌کنن. قضیه دیگه فقط قبول شدن نیست، بلکه به دست آوردن بهترین نمره‌ست! برای این‌که بتونین بهترین نمره رو در درس عربی به دست بیارین، اول باید اطلاعاتتون درباره این درس و امتحانش کامل و دقیق باشه؛ مثلاً باید بدونین:

۱ در امتحان عربی پایه دوازدهم، نزدیک به ۲۵ تا ۳۰ درصد نمره مربوط به اطلاعات و مطالب کتاب‌های دهم و یازدهم شماس (این مورد رو در درس‌های دیگه نداریم تقریباً). این‌که کدام بخش از اون کتاب‌ها رو باید بلد باشین، خودش یک مسئله مهم و حساس به حساب میاد. البته مسئله بعدی داشتن تمرین‌های مفید و مشابه هستش که با اون‌ها به تسلط کافی برسین.

۲ امتحان عربی کلی سؤال ریز و درشت داره (نزدیک به ۴۰، ۵۰ تا سؤال) که برای جواب دادن به اون‌ها باید اطلاعات دقیقی رو به خاطر بیارین و قبل از امتحان برای اون‌ها کلی تمرین کرده باشین.

۳ مهم‌ترین بخش آزمون عربی، ترجمه لغات و جملات هستش که تنها با خوندن از روی کتاب درسی بعیده روی تمام اون‌ها تسلط پیدا کنین، بلکه باید تمرین‌های متنوعی رو حل کنین تا ناخودآگاه در ذهن شما ثبت بشن. ما در این کتاب سعی کردیم با طراحی تمرین متنوع و هدفمند، تمام نکات کتاب درسی رو چندین بار برای شما مرور و تکرار کنیم؛ یعنی اگر تمرین این کتاب رو به شکل پیوسته و کامل حل کنین، ناخودآگاه بخش زیادی از چیزی که در امتحان میاد برای شما خاطره محسوب می‌شه!! تنها با هفته‌ای یک ساعت می‌تونین به این هدف خیلی مهم دست پیدا کنین. تمرین کتاب طوری طراحی شده که بخش زیادی از اون رو می‌تونین با همراهی معلم و در کلاس انجام بدین و این‌طوری اگر اشکالی هم پیش بیاد همون‌جا حل می‌شه. البته پاسخ‌های انتهای کتاب رو طوری نوشتیم که اگر تنهایی سراغ این کتاب اومدین، به مشکل برنخورین. برای این‌که این کتاب به دست شما برسه، دستان پرتلاشی ما رو همراهی کردن که به رسم ادب و معرفت باید از اون‌ها یاد کنیم:

۱ تشکر اول برای مدیران و مسئولان بزرگوار مجموعه خیلی سبز هستش که برنامه‌ریزی‌های اون‌هاست که باعث می‌شه کتاب‌ها از ایده‌های خام به مرحله چاپ و نشر برسن.

۲ تشکر دوم به خانم انصاری گرامی اختصاص داره که با دقت و دلسوزی زیاد تمام هماهنگی لازم رو برای این کتاب انجام دادن.

۳ از سرکار خانم «سمانه ریحانی» و جناب آقای «مختار حسامی» هم بسیار سپاس‌گزاریم که برای ویراستاری علمی کتاب وقت زیادی گذاشتن تا این کتاب از دانش و بینش اون‌ها اعتبار بیشتری به دست بیاره.

و در پایان از تمام دوستان واحد تولید و گرافیک تشکر داریم که بی‌شک وجودشون در این مجموعه نعمت بزرگی محسوب می‌شه. یک تشکر خاص و ویژه هم از دوست عزیزم آقای «سلیمان‌زاده» دارم که در تمام مراحل کار همراهی و همدلیش رو از ما دریغ نکرد و انصافاً «نِعْمَ الزَّفِيقُ» هستش.

این کتاب وقتی با تجربه شما دوستان بزرگوار آمیخته بشه، حتماً مفیدتر و ارزشمندتر می‌شه. لطفاً ما رو از مشورت‌ها و تجربیات ارزشمندتون محروم نکنین.

..... با تقدیم احترام و سپاس

فهرست مطالب

درس صفر: مرور عربی: اول

- بخش اول: مرور نکات مربوط به اسم‌ها ۵
- بخش دوم: مرور نکات مربوط به فعل‌ها ۸
- بخش سوم: مرور نکات مربوط به محل اعرابی کلمات ۱۱

درس اول: من الأشعار المنسوبة إلى الإمام علي عليه السلام

- بخش اول: آشنایی با ترجمه درس ۱۵
- بخش دوم: تسلط بر واژگان ۱۸
- بخش سوم: قواعد درس - حروف المشبهة بالفعل ۱۹
- «لا» النافية للجنس ۲۲
- بخش چهارم: تمرین کلی درس ۲۴
- سؤالات امتحان نهایی ۲۶

درس دوم: الوجه النافع والوجه المضير

- بخش اول: آشنایی با ترجمه درس ۳۰
- بخش دوم: تسلط بر واژگان ۳۴
- بخش سوم: قواعد درس - حال ۳۶
- بخش چهارم: تمرین کلی درس ۳۹
- سؤالات امتحان نهایی ۴۲

درس سوم: ثلاث قصص قصيرة

- بخش اول: آشنایی با ترجمه درس ۴۶
- بخش دوم: تسلط بر واژگان ۵۰
- بخش سوم: قواعد درس - اسلوب استثنا ۵۲
- بخش چهارم: تمرین کلی درس ۵۴
- سؤالات امتحان نهایی ۵۶

درس چهارم: نظام الطبيعة

- بخش اول: آشنایی با ترجمه درس ۶۱
- بخش دوم: تسلط بر واژگان ۶۵
- بخش سوم: قواعد درس - المفعول المطلق ۶۷
- بخش چهارم: تمرین کلی درس ۷۰
- سؤالات امتحان نهایی ۷۲

درس پنجم: يا الهي

- بخش اول: آشنایی با ترجمه درس ۷۷
- بخش دوم: تسلط بر واژگان ۷۸
- بخش سوم: قواعد درس - اسلوب ندا ۸۰
- بخش چهارم: تمرین کلی درس ۸۱
- سؤالات امتحان نهایی ۸۳
- پاسخ‌های تشریحی کتاب ۸۹

ضمیمه: امتحانات نهایی

- امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۰ ۱۱۵
- امتحان نهایی شهریور ۱۴۰۰ ۱۱۷
- امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۱ ۱۱۹
- امتحان نهایی شهریور ۱۴۰۱ ۱۲۱
- امتحان نهایی دی ۱۴۰۱ ۱۲۳
- پاسخ امتحانات نهایی همراه با ریز بارم‌بندی ۱۲۶

■ شبه جمع سالم (مؤنث) ➡ آیات (جمع بیت)، أصوات (جمع صوت)، أوقات (جمع وقت) و ...

(ب) جمع تکسیر:

گاهی کلمات به شکلی جمع بسته می‌شوند که تغییرات ساختاری در مفرد آن‌ها ایجاد شده و تعداد حروف آن‌ها کم یا زیاد می‌شود. این نوع جمع، جمع تکسیر یا مکسر نامیده می‌شود.

مثال

- کتاب ➡ کُتُب
- شَجَر ➡ أشجار
- طَعَام ➡ أطعمة
- صَيْف ➡ صُیُوف

وزن‌های معروف جمع مکسر

■ فُعَال ➡ غالباً جمع «فَاعِل» است، مانند:

- جُهَال (جمع جاهل) ● طُلَّاب (جمع طالب) ● كُتَّاب (جمع کاتب)

■ فُعَاة ➡ غالباً جمع «فَاعِي» است، مانند:

- مُشَاة (جمع ماشي) ● قُضَاة (جمع قاضي) ● هَوَاة (جمع هاوي)

■ أَفَاعِل ➡ غالباً جمع «أَفْعَل» است، مانند:

- أعاظم (جمع أعظم) ● أكابر (جمع أكبر) ● أفاضل (جمع أفضل)

■ مَفَاعِل ➡ غالباً جمع «مَفْعَل» یا «مَفْعِل» است، مانند:

- مَطَاعِم (جمع مطعم) ● مَكَاتِب (جمع مكتبة)

اسم‌های اشاره

کاربرد	معنا	أسماء الإشارة للقريب
برای یک مذکر	این	هذا
برای یک مؤنث	این،	هذه
برای جمع غیر انسان	این‌ها	هذان، هذین
برای دو مذکر	این دو	هاتان، هاتین
برای دو مؤنث	این‌ها	هؤلاء
برای جمع انسان‌ها	این‌جا	هنا

کاربرد	معنا	أسماء الإشارة للبعيد
برای یک مذکر	آن	ذلك
برای یک مؤنث	آن،	تلك
برای جمع غیر انسان	آن‌ها	أولئك
برای جمع انسان‌ها	آن‌جا	هناك

نکات

۱ «هناك» در ابتدای جملات اسمیه غالباً معنای «وجود دارد» می‌دهد.

■ مثال هناك كُتُبٌ كثيرةٌ أحبُّ أن أقرأها ➡ کتاب‌های زیادی وجود دارند که دوست دارم آن‌ها را بخوانم.

درس

مرور عربی دهم و یازدهم

بخش اول: مرور نکات مربوط به اسم‌ها

مفرد، مثنی، جمع

اسم‌ها در زبان عربی از نظر تعداد به سه قسمت تقسیم می‌شوند:

(۱) مفرد: به اسمی گفته می‌شود که به «یک فرد» یا «یک شیء» مربوط باشد، یا به عبارت دیگر به اسمی گفته می‌شود که مثنی یا جمع نباشد.

مثال

التلميذ، القمر، المؤمن، المحافظة، المدينة و ...

(۲) مثنی: به اسمی گفته می‌شود که به «دو فرد» یا «دو شیء» مربوط باشد.

مفرد + ان / ين

ساختار

مثال

- الشجرة ➡ الشجرتان، الشجرتين

- المعلم ➡ المعلمان، المعلمين

- الأخ ➡ الأخوان، الأخوين

(۳) جمع: به اسمی گفته می‌شود که بر «بیش از دو نفر/ شیء» اشاره می‌کند. اسم‌ها را در عربی به دو روش می‌شود جمع بست:

«جمع سالم» و «جمع تکسیر (یا مکسر)».

الف) جمع سالم:

مفرد مذکر + ون / ين

جمع سالم مذکر

مفرد + ات

جمع سالم مؤنث

مثال

- المؤمن ➡ المؤمنون، المؤمنین

- الصالح ➡ الصالحون، الصالحین

- المؤمنة ➡ المؤمنات

- الصالحة ➡ الصالحات

دام: دقت کنید که گول ظاهر کلمات را نخورید. بعضی کلمه‌ها ظاهرشان شبیه مثنی‌ها یا جمع‌های سالم است، ولی در واقع جزء آن‌ها نیستند، چون وقتی نشانه آخرشان (ان، ين، ون، ین، ات) را حذف کنیم مفردشان باقی نمی‌ماند.

■ شبه مثنی ➡ الأسنان (جمع سن)، الأغصان (جمع غصن)، الأديان (جمع دین) و ...

■ شبه جمع سالم (مذکر) ➡ بساتین (جمع بستان)، فساتین (جمع فستان)، عیون (جمع عین) و ...

نکته دقت کنید فعل‌های مضارع را که بر وزن‌های «فَعِلٌ»، «فَعَالٌ» یا «فَعَّلٌ» هستند، با فعل‌های مجهول اشتباه نگیرید.

مثال

- يُشَاهِدُ ➡ معلوم ➡ می‌بیند
- يُشَاهِدُ ➡ مجهول ➡ دیده می‌شود
- يُدْرِكُ ➡ معلوم ➡ درک می‌کند
- يُدْرِكُ ➡ مجهول ➡ درک می‌شود

جملات شرطیه

جملات شرطیه در حالت کلی دارای ساختار زیر هستند:

ساختار کلی شرط ادات شرط + فعل ... + فعل
ادات شرط + فعل ... + فـ

– مهم‌ترین ادوات شرط ➡ «إِنْ» (اگر، چنان‌چه) – «مَنْ» (هر کس، کسی که) – «مَا» (هر چه) – «إِذَا» (هرگاه، اگر)

مثال

- مَنْ يَصْبِرْ عَلَى شِدَائِدِ الْحَيَاةِ يَنْظُرْ. ➡ هر کس بر سختی‌های زندگی صبر کند پیروز می‌شود.
- إِنْ تَكْذِبُوا دَائِمًا فَلَنْ يَعْتمِدَ النَّاسُ عَلَيْكُمْ. ➡ اگر همیشه دروغ بگویید مردم به شما اعتماد نخواهند کرد.
- در ترجمه جملات شرطیه، فعل‌های ماضی را می‌توانیم به صورت مضارع ترجمه کنیم.

مثال

- مَنْ فَكَّرَ قَبْلَ الْكَلَامِ قَلَّ خَطْوُهُ. ➡ هر کس قبل از حرف زدن فکر کند خطایش کم می‌شود.

بخش سوم: مرور نکات مربوط به محل اعرابی کلمات

محل اعرابی همان نقش کلمه در جمله است. برای بیان نقش یا محل اعرابی خوب است بدانیم که جملات دو نوع هستند:

۱ جملات فعلیه**۲ جملات اسمیه**

- بعضی از نقش‌ها فقط در جمله فعلیه وجود دارند، مثل «فاعل» و «مفعول».
- بعضی از نقش‌ها فقط در جمله اسمیه وجود دارند، مثل «مبتدا» و «خبر».
- بعضی از نقش‌ها هم در هر جمله‌ای ممکن است دیده شوند، مثل «مضاف‌الیه»، «صفت» و «جار و مجرور».

جملات فعلیه

هر جای عبارت که فعل آمده باشد، از همان‌جا یک جمله فعلیه آغاز می‌شود؛ پس بعد از آن می‌توانید دنبال نقش‌های مربوط به جمله اسمیه یا فعلیه باشید.

فاعل: اسمی است که انجام فعل را به آن نسبت می‌دهیم یا به عبارت دیگر انجام‌دهنده فعل است.

تذکره «يَكُونُ» مضارع «كَانَ» است که معنای «می‌باشد» یا «است» می‌دهد.

مثال والد صديقي يَكُونُ راقداً في المستشفى ➡ پدر دوستم در بیمارستان بستری است. (می‌باشد)

• گاهی «كَانَ» به عنوان یک فعل کمکی در جمله به کار می‌رود و خودش معنای مستقلی ندارد.

كان ... + مضارع ➡ ماضی استمراری

مثال

- «كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ» ➡ خانواده‌اش را به نماز فرمان می‌داد.
- زملائي كانوا يَكْتُبُونَ واجباتهم الدراسية ➡ همکلاسی‌هایم تکالیف درسی خود را می‌نوشتند.

نکته به کمک یکی از حروف «لَا» یا «مَا» می‌توان ماضی استمراری را منفی کرد.

مثال

- ما كانت تَسْمَعُ: نمی‌شنید
- كُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ: نمی‌ترسیدید

كان ... + (قد) + ماضی ➡ ماضی بعید

مثال

- أُمِّي كَانَتْ قَدْ طَبَخَتْ طَعَامًا لَذِيذًا. ➡ مادرم غذای لذیذی پخته بود.
- كُنْتُمْ قَدْ خَرَجْتُمْ مِنَ الصَّفِّ. ➡ از کلاس خارج شده بودید.
- به کمک «مَا» می‌توان ماضی بعید را منفی کرد.
- ما كَانِ التَّلَامِيذُ قَدْ دَرَسُوا. ➡ دانش‌آموزان درس خوانده بودند.

كانَ + لـ / عـ / لَدَى ➡ داشت

مثال

- كَانِ لِي صَدِيقٌ حَمِيمٌ ➡ دوستی صمیمی داشتم.
- كانت للكاتب آثارٌ كثيرةٌ ➡ نویسنده آثار بسیاری داشت.
- ما كان عندنا طبيبٌ حاذقٌ ➡ پزشک ماهری نداشتیم.

افعال مجهول

فعل‌های مجهول را از روی علامت‌هایی که دارند به سادگی می‌توانیم تشخیص بدهیم. فقط دقت کنید که علامت فعل‌های مجهول در ماضی و مضارع با هم تفاوت دارد.

مجهول ماضی	عُفِّرَ، كُتِبَ، أُسْتُخْدِمَ ...
مجهول مضارع	يُعْفَرُ، يُكْتَبُ، يُسْتُخْدَمُ

نکته برای ترجمه فعل‌های ماضی مجهول از فعل «شد» و برای فعل‌های مضارع مجهول از فعل «می‌شود» کمک می‌گیریم.

مثال

- عُفِّرَ ➡ آمرزیده شد
- يُعْفَرُ ➡ آمرزیده می‌شود
- أُسْتُخْدِمَ ➡ به کار گرفته شد
- يُسْتُخْدَمُ ➡ به کار گرفته می‌شود



الْوَجْهُ النَّافِعُ وَالْوَجْهُ الْمُضِرُّ

آلحال

الدَّرْسُ الثَّانِي

آشنایی با ترجمه درس

بخش اول

واژگان

ترکیب کلمه /	ترجمه	توضیح	ترکیب کلمه /	ترجمه	توضیح
آتَى	داد	مضارع: يُؤْتِي / يُؤْتُونَ: می دهند	الإنجاز	انجام	-
أَجْرَى	اجرا کرد	مضارع: يُجْرِي / مصدر: الإجراء	الأنحاء	سمت ها، سوها	مفرد: النَّحْو
الأحبال الصَّوتِيَّة	تارهای صوتی	مفرد: الحَبَل الصَّوتِي	الإنشاء	ایجاد کردن	ماضی: أُنْشِأَ / مضارع: يُنْشِئُ
إحدى	یکی از	مذكر: أحد	الأنفاق	تونل ها	مفرد: الثَّقَق
اخْتَرَعَ	اختراع کرد	مضارع: يَخْتَرِعُ / مصدر: الاختراع	إِهْتَدَمَ	ویران شد	مضارع: يَهْتَدِمُ / مصدر: الانهدام
آخَرَ	دیگر	با «آخر: پایان» اشتباه نشود!	إِهْتَمَّ	اهتمام ورزید، توجه کرد	مضارع: يَهْتَمُّ / مصدر: الاهتمام
أَذْنَبَ	گناه کرد	مضارع: يُذْنِبُ	الأهل	شایسته	-
إِزْدَادَ	زیاد شد	مضارع: يَزْدَادُ	الأهون	پست تر، پست ترین	-
إِسْتَعَانَ بِـ	از ... یاری جست	مضارع: يَسْتَعِينُ بِـ / با «أَعَانَ: کمک کرد» اشتباه نشود!	البكماء	لال	مذكر: الأَبْكَم
الإشاعة	گسترش دادن	-	بَكَى	گریه کرد	مضارع: يَبْكِي
أَضَاعَ	تباہ کرد	مضارع: يُضِيعُ / مصدر: الإضاعة	التَّحْوِيل	دگرگونی، تبدیل کردن	ماضی: حَوَّلَ / مضارع: يُحَوِّلُ
أَضْعَفَ	ضعیف کرد	مضارع: يُضْعِفُ	التَّطْوِير	بهینه سازی	ماضی: طَوَّرَ / مضارع: يُطَوِّرُ
أَعْطَى	داد، عطا کرد	مضارع: يُعْطِي / أَعْطَيْتُ: به من داده شد	التَّعَب	خستگی	-
الأعلون	برتران	مفرد: الأَعْلَى (اسم تفضیل)	التَّفْجِير	شکافتن	ماضی: فَجَّرَ / مضارع: يُفَجِّرُ
الإعمار	آباد کردن	ماضی: أَعْمَرَ / مضارع: يُعْمِرُ	التَّقْنِيَّة	تکنیک، تکنولوژی، فناوری	-
الأغنى	ثروتمندترین، ثروتمندتر	اسم تفضیل است!	التَّلَال	تپه ها	مفرد: التَّلَّ
الأغنياء	ثروتمندان	مفرد: الغَنِي	تَمَّ	انجام شد، کامل شد	مضارع: يَتِمُّ
أَفَادَ	سود رساند	مضارع: يُفِيدُ			
أَقْبَلَ عَلَى	به ... روی آورد	مضارع: يَقْبِلُ عَلَى			
الاقوى	قوی ترین	اسم تفضیل است!			

متن	فعالیت	ترجمه
۳۰۵	إِنْتَشَرَ الدِّينَامِيَتْ فِي جَمِيعِ أَنْحَاءِ الْعَالَمِ.	۱) دینامیت در تمام اطراف جهان پخش شد. ۲) دینامیت را در همهٔ سرزمین‌های دنیا پخش کردند.
۳۰۶	قَامَ الْفَرْدُ بِإِنْشَاءِ عَشْرَاتِ الْمَصَانِعِ وَ الْمَعَامِلِ فِي عَشْرِينَ دَوْلَةً.	آلفرد به فروختن ده‌ها کارخانه و کارگاه در ده‌ها دولت اقدام کرد.
۳۰۷	و كَسَبَ مِنْ ذَلِكَ ثَرَوَةً عَظِيمَةً جَدًّا	و تا این که از جهان شد.
۳۰۸	حَتَّى أَصْبَحَ مِنْ أَغْنِيَاءِ الْعَالَمِ.	تا این که از جهان شد.
۳۰۹	فَقَدْ اسْتَفَادَ الْإِنْسَانُ مِنْ هَذِهِ الْمَادَّةِ	انسان‌ها از این ماده استفاده کرده بودند.
۳۱۰	و سَهَّلَ أَعْمَالَهُ الصَّعْبَةَ فِي حَفْرِ الْأَنْفَاقِ	۱) و کارهای خود را در گندن تونل‌ها آسان کرده است. ۲) و کارهای خود را در گندن تونل‌ها آسان کرده است.
۳۱۱	و سَقَّ الْقَنَوَاتِ وَ إِنْشَاءِ الطُّرُقِ وَ حَفْرِ الْمَنَاجِمِ	و و ایجاد راه‌ها و کندن
۳۱۲	و تَحْوِيلِ الْجِبَالِ وَ التَّلَالِ إِلَى سَهُولٍ صَالِحَةٍ لِلزَّرَاعَةِ.	و کوه‌ها و به مناسب برای کشاورزی.
۳۱۳	وَ مِنْ الْأَعْمَالِ الْعَظِيمَةِ الَّتِي تَمَّتْ بِوَاسِطَةِ هَذِهِ الْمَادَّةِ	و از بزرگ‌ترین کارهایی که به واسطهٔ این ماده انجام داده‌اند
۳۱۴	تَفْجِئِ الْأَرْضِ فِي قَنَاءِ «بَنَمَا»	۱) شکافتن زمین در کانال پاناما است. ۲) گندن زمین در تنگهٔ پاناما است.
۳۱۵	بِمَقْدَارٍ مِنَ الدِّينَامِيَتْ بَلَغَ أَرْبَعِينَ طُنًّا.	با مقداری از دینامیت که به تُن
۳۱۶	و بَعْدَ أَنْ إِخْتَرَعَ نُوْبِلُ الدِّينَامِيَتْ،	۱) پس از آن که نوبل دینامیت را اختراع کرد. ۲) پس از آن که دینامیت توسط نوبل اختراع شد.
۳۱۷	إِزْدَادِ الْخُرُوبِ وَ كَثُرَتْ أَدَوَاتُ الْقَتْلِ وَ التَّخْرِيبِ بِهِذِهِ الْمَادَّةِ،	با این ماده جنگ‌ها و ابزارهای و زیاد شد.
۳۱۸	وَ إِنْ كَانَ عَرَضُهُ مِنْ إِخْتِرَاعِهِ مُسَاعَدَةً الْإِنْسَانَ فِي مَجَالِ الْإِعْمَارِ وَ الْبِنَاءِ.	اگرچه او از اختراع آن کمک‌کردن به انسان در زمینهٔ و ساختن بود.
۳۱۹	نَشَرْتُ إِحْدَى الصُّحُفِ الْفَرَنْسِيَّةِ عِنْدَ مَوْتِ أَخِيهِ الْآخَرِ عُنْوَانًا خَطَأً.	یک روزنامهٔ فرانسوی هنگام مرگ برادر آخرش عنوانی اشتباه را منتشر کرد.
۳۲۰	مَاتَ الْفَرْدُ نُوْبِلُ تَاجِرُ الْمَوْتِ الَّذِي أَصْبَحَ غَنِيًّا،	آلفرد نوبل مُرد، که ثروتمند
۳۲۱	مِنْ جِلَالِ إِيجَادِ طَرِيقٍ لِقَتْلِ الْمَرْبِدِ مِنَ النَّاسِ.	نوبل از این تیترا احساس و کرد.
۳۲۲	شَعَرَ نُوْبِلُ بِالذَّنْبِ وَ حَبِيبَةِ الْأَمَلِ مِنْ هَذَا الْغُنْوَانِ.	ناراحت شد، چون ترسیده بود که مردم بعد از مرگش او را به بدی یاد کنند.
۳۲۳	بَقِيَ حَزِينًا وَ خَافَ أَنْ يَذْكُرَهُ النَّاسُ بِالسُّوءِ بَعْدَ مَوْتِهِ.	بنابراین، مؤسسه‌ای را برای جوایز معروف به نام «جایزهٔ نوبل»
۳۲۴	لِذَلِكَ فَقَدْ بَنَى مُؤَسَّسَةً لِمَنْحِ الْجَوَائِزِ الشَّهِيرَةِ بِاسْمِ «جَائِزَةِ نُوْبِلِ»	و ثروت خود را برای خریدن جایزه‌های طلایی تا این که خطایش را
۳۲۵	وَ مَنَحَ ثَرَوَتَهُ لِشِرَاءِ الْجَوَائِزِ الذَّهَبِيَّةِ لِكَيْ يُصَحَّحَ خَطَاؤُهُ.	این جایزه را هر سال به کسی می‌دهند که در موضوعاتی که مشخص شده به بشریت سود می‌رساند.
۳۲۶	تُمْنَحَ هَذِهِ الْجَائِزَةُ فِي كُلِّ سَنَةٍ إِلَى مَنْ يُفِيدُ الْبَشَرِيَّةَ فِي مَجَالَاتٍ حَدَّدَهَا.	و آن زمینه‌های صلح و و فیزیک و پزشکی و است.
۳۲۷	و هِيَ مَجَالَاتُ السَّلَامِ وَ الْكِيمِيَاءِ وَ الْفِيزِيَاءِ وَ الطَّبِّ وَ الْأَدَبِ.	اما آیا امروزه این جایزه به کسی داده می‌شود که شایستهٔ آن است؟
۳۲۸	وَلَكِنْ هَلْ تُعْطَى الْجَوَائِزُ الْيَوْمَ لِمَنْ هُوَ أَهْلٌ لِذَلِكَ؟	 وجهی و وجهی
۳۲۹	لِكُلِّ إِخْتِرَاعٍ عِلْمِيٍّ وَ ابْتِكَارٍ فِي التَّقْنِيَّةِ وَ جِهَانِ؛	۱) انسان عاقل باید از وجه سودمندش استفاده کند. ۲) انسان خردمند کسی است که از وجه سودمند استفاده نماید.
۳۳۰	وَجْهٌ نَافِعٌ وَ وَجْهٌ مُضَرٌّ.	و عَلى الْإِنْسَانِ الْعَاقِلِ أَنْ يَسْتَفِيدَ مِنْ وَجْهِهِ النَّافِعِ.
۳۳۱	و عَلَى الْإِنْسَانِ الْعَاقِلِ أَنْ يَسْتَفِيدَ مِنْ وَجْهِهِ النَّافِعِ.	

درك متن

أجب عن الأسئلة التالية حسب النص.

التمرين الأول:

- ٣٣٢- ما هو السائل السريع الانفجار؟
 ٣٣٣- كم مقداراً من الديناميت أستخدمت في تفجير قناة «بنما»؟
 ٣٣٤- إلى من تُعطى جائزة «نوبل»؟
 ٣٣٥- من قُتل عند انهدام المختبر الصغير؟
 ٣٣٦- ما كان غرض «نوبل» من اختراع الديناميت؟
 ٣٣٧- مِمَّ كان يخاف نوبل؟

عَيِّن الصَّحِيح [✓] و الخطأ [✗] في العبارات التالية حسب النص.

التمرين الثاني:

- ٣٣٨- تُعطى جائزة نوبل في مجالات «الطبّ و الأدب و الرياضيات».
 ٣٣٩- شَعَرَ نوبل بِخَيبة الأملِ عندما قُتِل أخوه الأصغر.
 ٣٤٠- وُلِدَ نوبل في القرن الرابع عشر.
 ٣٤١- الابتكارات في التقنية قد يضرُّ الناس.
 ٣٤٢- صحيفة في مملكة السويد نشرت عنواناً خطأً عن موت «نوبل».
 ٣٤٣- استَخدمَ نوبل الديناميت في تحويل التلال إلى سهول صالحة للزراعة.
 ٣٤٤- قبل أن أُخترعت الديناميت كان الإنسان يحفر الأنفاق بصعوبة.

تسلط بر واژگان

بخش دوم:

اكتب كل كلمة من المجموعة التالية جنب كلمة ترتبط بها في المعنى.

التمرين الثالث:

التخريب - الأهل - الزّجاء - يُضعِف - أفاد - سهّل - الوُلد - المُضِرّ - الفَرَح - الحديثة - الأهون - الضّيق - السُّور - نسي - الفائز

٣٤٥- صَغَبَ	٣٥٠- الإعمار	٣٥٥- الصّالح
٣٤٦- نَفَعَ	٣٥١- الوُسيع	٣٥٦- المَسرور
٣٤٧- الأحقر	٣٥٢- الجدار	٣٥٧- تَدَكَّرَ
٣٤٨- الجديدة	٣٥٣- الخايسر	٣٥٨- خيبة الأمل
٣٤٩- يَفْؤي	٣٥٤- النّافع	٣٥٩- الصّبي

اكتب كل كلمة أمام توضيح يناسبها (كلمتان زائدتان).

التمرين الرابع:

المنجم - التّفق - السّهّل - القنّاة - موادّ التجميل - أذنب - الدّارجة - العاصمة - الضّيق - الكيمياء - الجّردة - الإعمار - التّل - أضعف

- ٣٦٠- علمٌ يَبْحَثُ عن خصائص الموادّ و تغييراتها.
 ٣٦١- صفةٌ لطريق العبور منه صعب.
 ٣٦٢- أهمّ مدينة في أيّ بلد و مقرّ الحكومة.
 ٣٦٣- طريقٌ يَحْدُثُ تحت الأرض لِيَمُرَّ الناسُ أو السيارات.
 ٣٦٤- حشرة صغيرة تتغذى من المحاصيل الزراعيّة.
 ٣٦٥- قام بعمل يُغضبُ الله.

۳۶۶- مكانُ الذهبِ و الفضةِ و مثلهما في الأرض. ←

۳۶۷- تحويلُ أرضٍ إلى مكانٍ صالحٍ للعيشِ و السكن. ←

۳۶۸- أرضٌ مُرتفعةٌ ارتفاعُها أقلُّ من الجبل. ←

۳۶۹- موادٌ تُستخدمُها النساءُ لجمال وجوههن. ←

۳۷۰- سَلَبُ القدرة من أحد. ←

۳۷۱- شَكْلٌ مِنَ اللُّغَةِ يَتَكَلَّمُ بِهِ النَّاسُ فِي حِوَارَاتِهِم اليَوْمِيَّة. ←

التمرين الخامس: اكتب ما يُطْلَبُ عن المفردات.

۳۷۳- المَنَاجِمُ مفرد ←

۳۷۵- التَّلَّ جمع ←

۳۷۷- القنوات مفرد ←

۳۷۹- الصَّبِيَّ جمع ←

۳۸۱- الرَّمَز جمع ←

۳۸۳- الرِّكَّاب مفرد ←

۳۷۲- السَّهول مفرد ←

۳۷۴- الطَّن جمع ←

۳۷۶- الأنحاء مفرد ←

۳۷۸- العاصمة جمع ←

۳۸۰- الحَبْل جمع ←

۳۸۲- القُدَماء مفرد ←

التمرين السادس: اِنتخبِ الصَّحيحَ عن المفرد و جمع الكلمات.

۳۸۴- عَظِيم جمع ← (۱) عَظَمَاء (۲) عِظَام (۳) أَعَاظِم

۳۸۵- عَامِل جمع ← (۱) عَمَلَاء (۲) عُمَال (۳) أَعْمَال

۳۸۶- ظُلُوهَر مفرد ← (۱) ظَاهِرَة (۲) مَظْهَر (۳) إِظْهَار

۳۸۷- جَرَائِم مفرد ← (۱) المُجْرِم (۲) جَرِيْمَة (۳) جِرم

۳۸۸- مُلُوك مفرد ← (۱) مَمْلَكَة (۲) مِلْك (۳) أَمَلَاك

۳۸۹- طَعَام جمع ← (۱) أَطْعَمَة (۲) مَطَاعِم (۳) إِطْعَام

التمرين السابع: اِنتخبِ الكَلِمَةَ الغَرِيبَةَ في كُلِّ مَجْمُوعَةٍ.

۳۹۰- السَّهول الجبال الصَّبيان التَّلَّ
۳۹۱- العاصمة المُختَبَر المَصْنَع المَعْمَل
۳۹۲- الشَّعِيرَة الجُلْب التَّبات السُّبَات
۳۹۳- الدَّب الجَرَادَة الفَأر السُّور
۳۹۴- أَئْجَزْ أَكَل تَنَاوَل قَضَم
۳۹۵- الإعمار التَّخريب أنْجَز الإِهْتِمَام
۳۹۶- تَم نَشَر أَجَزَى
۳۹۷- يَمْنَحُ يَعْقُو يُؤْتِي يُعْطِي

اُكْتُبْ مَعْنَى الْمُفْرَدَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَظٌّ.

التمرين الثامن:

- ۳۹۸- ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا...﴾
 ۳۹۹- قَدْ نَذَرْتُ أَصْدِقَاءَنَا الْقُدَمَاءَ
 ۴۰۰- ﴿إِرْجِعِي إِلَى رَبِّكَ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً﴾
 ۴۰۱- لِكُلِّ ابْتِكَارٍ فِي التَّقْنِيَةِ وَجْهَانِ.
 ۴۰۲- شَعَرَ نُوْبَلٌ بِخَيِّبَةِ الْأَمْلِ.
 ۴۰۳- طَيْسِفُونُ كَانَتْ عَاصِمَةَ بَغْدَادَ
 ۴۰۴- الذَّبُّ حَيَوَانٌ مُفْتَرِسٌ.
 ۴۰۵- هُوَ عَفَا عَدُوَّهُ مُقْتَدِرًا.
 ۴۰۶- الْحَوْتُ يُصَادُ لِصِنَاعَةِ مَوَادِّ التَّجْمِيلِ.
 ۴۰۷- أَيْنَ تَقَعُ قِنَاءُ بَنِمَا؟
 ۴۰۸- لَا أَقْدِرُ الصُّعُودَ مِنْ هَذَا التَّلِّ الْمَرْتَفِعِ.
 ۴۰۹- هَذَا الرِّيَاضِيُّ دَوُوبٌ جَدًّا.

إِنْخَبِ أَنْسَبَ كَلِمَةً لِكُلِّ فَرَاغٍ.

التمرين التاسع:

- ۴۱۰- مَن يُغْضِبُ اللَّهَ.
 أجزى ☐ أذنب ☐ اِئْتَنَعَ ☐ عفا ☐
 ۴۱۱- السُّوَيْدُ مَمْلَكَةٌ فِي أَوْرُوبَا.
 تَمَّتْ ☐ بَنَى ☐ تَقَعُ ☐ تَفُوقُ ☐
 ۴۱۲- هَؤُلَاءِ الْأَغْنِيَاءُ الرِّكَاءَةُ لِلْفُقَرَاءِ.
 يَعْفُونَ ☐ يُؤْتُونَ ☐ يَسْلُبُونَ ☐ يُصَحِّحُونَ ☐
 ۴۱۳- تُسَهِّلُ أُمُورَ الْحَيَاةِ لِلْإِنْسَانِ.
 السُّهُولُ ☐ التَّقْنِيَاتُ ☐ الْأَنْفَاقُ ☐ الْأَحْبَالُ ☐
 ۴۱۴- إِذَا كُنْتَ تَكْسِبُ دَرَجَاتٍ عَالِيَةً.
 سَرِيعًا ☐ مُبْتَسِمًا ☐ ذَوُوبًا ☐ خَائِبًا ☐
 ۴۱۵- هَذَا الْعَالَمُ مَا كَانَ لِحَائِزَةِ نُوْبَلِ.
 أَهْلًا ☐ شَهِيرًا ☐ خَاسِرًا ☐ مَنجَمًا ☐
 ۴۱۶- الْقِنَوَاتُ يَسْتَغْرِقُ وَقْتًا طَوِيلًا.
 سُبَابُ ☐ شَقٌّ ☐ أَنْعَاءُ ☐ تَقْنِيَةٌ ☐
 ۴۱۷- الْحَوْتُ لِصِنَاعَةِ مَوَادِّ التَّجْمِيلِ.
 يُحَدِّدُ ☐ يُصَادُ ☐ يَزْدَادُ ☐ يَفُوقُ ☐
 ۴۱۸- هَذَا الطَّرِيقُ فَلَا تَقْدِرُ السَّيَّارَتَانِ عَلَى الْعُبُورِ مِنْهُ مَعًا.
 عَاصِمَةٌ ☐ مَرْتَفَعٌ ☐ ضَيِّقٌ ☐ أَهْوَنُ ☐
 ۴۱۹- عَزَمْنَا أَنْ أَسْلُوبًا اقْتَرَحَهُ مُعَلِّمُنَا. (الخطأ)
 نُطَوِّرُ ☐ نُجْرِي ☐ نُضْعِفُ ☐ نُصَحِّحُ ☐

قواعد درس - حال

بخش سوم:

در زبان فارسی به کلماتی، مانند «با نگرانی، لبخند زان، خندان، گریه کنان و ...» قید حالت گفته می‌شود. همین قید در زبان عربی نیز وجود دارد که به آن «حال» می‌گوییم و شخص یا اشخاصی را که حال را به آن نسبت می‌دهیم، مرجع حال یا صاحب حال می‌نامیم.

مثال

● جاء التلميذ إلى بيته فراحاً. (دانش آموز با خوشحالی به خانه اش بازگشت).
مرجع حال حال

● يُشاهد الطفل هذا الفيلم مضطرباً. (کودک این فیلم را با نگرانی نگاه می کند).
مرجع حال حال

حال به دو شکل و ساختار دیده می شود:

الف) حال از نوع اسم = حال مفرد

ب) حال از نوع جمله = جمله حالیه

الف) حال از نوع اسم:

حال وقتی از نوع اسم باشد، نشانه های مشخصی دارد که عبارت اند از:

۱ نکره است.

۲ غالباً انتهای آن یکی از علامت های نصب (ئ، ين، ين) دیده می شود.

۳ مرجع آن یک اسم معرفه است.

التمرين العاشر: عَيْنُ الْحَالِ فِي الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ ثُمَّ كَمِّلْ تَرْجُمَتَهَا.

۴۲۰- يَعْمَلُ هَذَا الْمُهَنْدِسُ الشَّابُّ فِي الْمَصْنَعِ مُبْتَسِماً. ← این مهندس جوان در کارخانه کار می کند.

۴۲۱- زَكَبَ عَدَدٌ مِنَ الْمَسَافِرِينَ الطَّائِرَةِ مُتَأَخِّرِينَ. ← تعدادی از مسافران سوار هواپیما شدند.

۴۲۲- ﴿خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفاً﴾ ← انسان، است.

۴۲۳- بعد إِنْهَادِ الْمُخْتَبِرِ وَاصَلَ نُوْبِلٌ عَمَلَهُ دَوْباً. ← پس از ویران شدن، نوبل کار خود را

۴۲۴- هَاتَانِ الْبَنَتَانِ تَقُومَانِ بِجَوْلَةٍ عِلْمِيَّةٍ فِي الْإِنْتَرْنِتِ مُشْتَاقَتَيْنِ. ← این دو دختر در اینترنت به علمی می پردازند.

۴۲۵- ﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً﴾ ← ای جان به سوی پروردگارت بازگرد

۴۲۶- عِنْدَ وَقُوعِ الْمَصَائِبِ تَذْهَبُ الْعِدَاوَةُ سَرِيعَةً. ← هنگام وقوع بلاها دشمنی می رود.

۴۲۷- يَشْتَغِلُ هَذَا الْفَلَّاحُ نَشِيطاً فِي مَزْرَعَتِهِ. ← این کشاورز در مزرعه اش

۴۲۸- مَنْ عَاشَ بِوَجْهِينِ مَاتَ خَاسِراً. ← هر کس زندگی کند، می میرد.

۴۲۹- أَقْوَى النَّاسِ مَنْ عَفَا عَدُوَّهُ مُقْتَدِراً. ← مردم کسی است که از دشمن خود

۴۳۰- يَبْقَى الْمُحْسِنُ حَيًّا وَ إِنْ نُقِلَ إِلَىٰ مَنَازِلِ الْأَمْوَاتِ. ← نیکوکار می ماند، اگرچه به خانه های مردگان

نکته

گاهی حال از نظر ظاهر و معنایی بسیار شبیه صفت به نظر می رسد. برای تشخیص دقیق حال و صفت از همدیگر و ترجمه درستشان، به دو مورد زیر خیلی دقت کنید:

۱ موصوف و صفت هر دو نکره و یا هر دو معرفه اند، ولی حال همیشه نکره و مرجعش همیشه معرفه است.

۲ موصوف و صفت را به صورت کنار هم و وابسته به هم ترجمه می کنیم، ولی حال و مرجعش جدای از هم ترجمه می شوند و به هم وابستگی ندارند.

مثال

● رَأَيْتُ تَلْمِيزاً مَسْروراً. ← «تلمیذ» و «مسرور» هر دو نکره هستند، پس «مسرور» صفت است نه حال؛ بنابراین باید آن ها را وابسته و چسبیده به هم ترجمه کنیم: «دانش آموز خوشحالی را دیدم».

● رَأَيْتُ التَّلْمِيزَ مَسْروراً. ← «التلمیذ» معرفه بوده، ولی «مسروراً» نکره است؛ بنابراین «مسروراً» را حال در نظر می گیریم و به صورت قید حالت ترجمه می کنیم نه صفت. یعنی:

ترجمه درست: دانش آموز را خوشحال دیدم. ترجمه نادرست: دانش آموز خوشحال را دیدم.

جمع بندی

معرفه	+	معرفه	←	دومی صفت است.
نکره	+	نکره	←	دومی صفت است.
معرفه	+	نکره	←	دومی حال است.

مِيزَ الحال و الصفة بين الكلمات التي تحتها خطٌ ثمَّ تَرجم العبارات.

التمرين الحادي عشر:

- ٤٣١- دخلتُ البُنَيَّةُ فرحةً الغُرْفَةَ.
 ٤٣٢- دخلتُ بُنَيَّةٌ فرحةً الغُرْفَةَ.
 ٤٣٣- عَمِلَ الكِيمَاوِيُّ المُجَدِّ في تطوير هذه المادَّة.
 ٤٣٤- عَمِلَ الكِيمَاوِيُّ مُجَدِّاً في تطوير هذه المادَّة.
 ٤٣٥- واصلُ عملك مفيداً للبشريَّة.
 ٤٣٦- واصلُ عملك المفيدُ للبشريَّة.
 ٤٣٧- زالتِ الرُّطوبَةُ عن التُّرابِ مُختلطاً بالماء.
 ٤٣٨- يُشجِّعُ المُتَفَرِّجُونَ لاعِبِينَ فَائِزِينَ يَخْرُجُونَ مِنَ المَلْعَبِ.
 ٤٣٩- بَقِيَ المُحْسِنُ حَيّاً و إن نُقِلَ إلى مَنَازِلِ الأُمُوتِ.
 ٤٤٠- رأيتُ مُحَمَّداً مُسَرَّراً من نتائج الامتِحانات.

(ب) حال از نوع جمله:

گاهی حال به صورت جمله دیده می شود که به آن «جمله حالیّه» گفته می شود. جمله حالیّه را در کتاب درسی نظام جدید تنها به صورت زیر می بینیم:

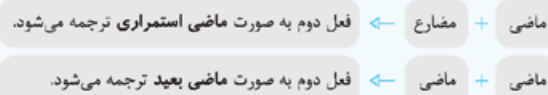


مثال

● رأيتُ الفلاحَ (وَ) هو يَجْمَعُ المَحْصُولَ.
 جمله حالیّه

● خَرَجَ التَّلامِيذُ مِنَ الصَّفِّ (وَ) هم تَعَلَّمُوا الدَّرْسَ الجَدِيدَ.
 جمله حالیّه

● نکته هنگام ترجمه دقت کنید فعلی که در جمله حالیّه قرار دارد، تحت تأثیر فعل عبارت قبلی قرار می گیرد، به این صورت که:



مثال

● رأيتُ الفلاحَ و هو يَجْمَعُ المَحْصُولَ ➡ کشاورز را دیدم، در حالی که محصول را جمع می کرد.
 ماضی مضارع ماضی استمراری

● خَرَجَ التَّلامِيذُ مِنَ الصَّفِّ و هم تَعَلَّمُوا الدَّرْسَ الجَدِيدَ. ➡ دانش آموزان از کلاس خارج شدند، در حالی که درس جدید را یاد گرفته بودند.
 ماضی ماضی ماضی بعید

عَنِ الْجُمْلَةِ الْحَالِيَّةِ ثُمَّ أَكْتُبُ تَرْجُمَةَ الْعِبَارَاتِ.

التمرين الثاني عشر:

- ٤٤١- ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ﴾
 ٤٤٢- ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾
 ٤٤٣- مَنْ أَذْنَبَ وَهُوَ يَضْحَكُ دَخَلَ النَّارَ وَهُوَ يَبْكِي
 ٤٤٤- أَعْضَاءُ الْأُسْرَةِ كَانُوا قَدْ جَلَسُوا وَهُمْ يَشْتَغِلُونَ بِالْجَوَالِ
 ٤٤٥- هَذِهِ السَّمَكَةُ تَذْهَبُ مَعَ صِغَارِهَا وَهِيَ تُدَافِعُ عَنْهَا.

التمرین الثالث عشر: اِنتخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ:

- ۴۴۶- ﴿أَرْسَلَ اللَّهُ الْأَنْبِيَاءَ مُبَشِّرِينَ﴾
☐ خداوند پیامبران بشارت‌دهنده را فرستاد.
☐ خداوند پیامبران را بشارت‌دهنده فرستاد.
☐ دانش‌آموز تکالیفش را می‌نویسد و با خشنودی به مادرش کمک می‌کند.
☐ دانش‌آموز با خشنودی تکالیفش را می‌نویسد، در حالی که به مادرش کمک می‌کند.
☐ دانش‌آموز با رضایت تکالیفش را نوشته و به مادرش کمک می‌کند.
☐ به تنهایی برای کار برخیز تا به مردم تکیه نکنی.
☐ وقتی تنهایی کارت را انجام بده و به دیگران تکیه نکن.
☐ به تنهایی به کارت بپرداز و به مردم تکیه نکن.
☐ کشاورز مسافرانِ ایستاده را روبه‌روی مسجد دید.
☐ کشاورز مسافران را دید که مقابل مسجدی ایستاده بودند.
☐ کشاورز مسافرانی را روبه‌روی مسجد، ایستاده دید.
☐ انسان ناتوان را آفرید.
☐ انسان، ناتوان آفریده شد.
☐ انسان را ناتوان آفرید.
☐ مغولان متجاوز به چین حمله کردند.
☐ مغولان متجاوزانه به چین هجوم آوردند.
☐ مغولان تجاوزکارانه به چینیان یورش آوردند.
- ۴۴۷- تَكْتَبُ الطَّالِبَةُ وَاجِبَاتَهَا رَاضِيَةً وَ تُسَاعِدُ أُمَّهَا.
- ۴۴۸- قُمْ بِعَمَلِكَ وَحِيداً وَ لَا تَتَوَكَّلْ عَلَى النَّاسِ.
- ۴۴۹- شَاهَدَ الْمُزَارِعُ الْمَسَافِرِينَ الْوَاقِفِينَ أَمَامَ الْمَسْجِدِ.
- ۴۵۰- ﴿خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفاً﴾
- ۴۵۱- هَجَمَ الْمَغُولُ مُعْتَدِينَ عَلَى الصِّينِ.

بخش چهارم: تمارین کلی درس

التمرین الرابع عشر: تَرْجِمِ العِبَارَاتِ التَّالِيَةَ.

- ۴۵۲- التَّقْنِيَةُ أَسْلُوبٌ أَوْ فَنٌّ فِي إِنْجَازِ عَمَلٍ.
- ۴۵۳- التَّفَقُّ مَمَرٌ تَحْتَ الْأَرْضِ أَوْ فِي الْجَبَلِ لَهُ مَدْخَلٌ وَ مَخْرَجٌ.
- ۴۵۴- الَّذِي يَسْعَى فِي إِنْجَازِ عَمَلِهِ دُونَ أَنْ يَشْعُرَ بِخَيْبَةِ الْعَمَلِ يُسَمَّى دَوَّاباً.
- ۴۵۵- مَا لِعَلِّي وَ لِنَعِيمٍ يَفْنَى وَ لَذَّةٍ لَا تَبْقَى.
- ۴۵۶- ﴿خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفاً﴾
- ۴۵۷- إِنَّ دُنْيَاكُمْ عِنْدِي لِأَهْوَنُ مِنْ وَرَقَةٍ فِي فَمٍ جَرَادَةٍ تَقْضُمُهَا.
- ۴۵۸- ﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ﴾
- ۴۵۹- ﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً﴾
- ۴۶۰- نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ سُبَاتِ الْعَقْلِ وَ قُبْحِ الزَّلَلِ وَ بِهِ نَسْتَعِينُ.
- ۴۶۱- جَزَامُ الْأَمَانِ شَرِيطَةٌ يَسْتَخْدِمُهَا رُكَّابُ السَّيَّارَاتِ وَ الطَّائِرَاتِ.
- ۴۶۲- حَجَمَ دُبُّ الْبَانَدَا عِنْدَ الْوِلَادَةِ أَصْغَرَ مِنَ الْفَارِ.
- ۴۶۳- الْخُقَاشُ هُوَ الْحَيَوَانُ اللَّبُونُ الْوَحِيدُ الَّذِي يَقْدِرُ عَلَى الطَّيْرَانِ.

التمرین الخامس عشر: كَمِّلْ تَرْجَمَةَ الْعِبَارَاتِ.

- ۴۶۴- الْحَوْتُ يُصَادُّ لِاسْتِخْرَاجِ الزَّيْتِ مِنْ كَبِدِهِ لِصِنَاعَةِ مَوَادِّ التَّجْمِيلِ.
 نهنگ برای بیرون آوردن از جگرش برای ساخت

- ٤٦٥- إذا طَلَبْتَ أَنْ تَنْجَحَ فِي عَمَلِكَ فَقُمْ بِهِ وَحِيداً وَ لَا تَتَوَكَّلْ عَلَى النَّاسِ.
هرگاه که در کارت موفق شوی، به تنهایی به آن و به مردم
- ٤٦٦- الطِّينُ تُرَابٌ مُخْتَلِطٌ بِالماءِ وَ إِن زَالَتْ عَنْهُ الرُّطوبَةُ.
خاکی با آب است حتی اگر رطوبت از آن
- ٤٦٧- التَّقْنِيَةُ طَرِيقٌ يَخْتَصُّ بِمِهْنَةٍ أَوْ عِلْمٍ الصَّنَاعَةِ الْحَدِيثَةِ.
راهی است که به یک یا دانش صنعت نو،
- ٤٦٨- الزَّرَافَةُ بِكَمَاءٍ لَيْسَتْ لَهَا أَحْبَالٌ صَوْتِيَّةٌ.
زرافه است، صوتی
- ٤٦٩- المَغُولُ اسْتَطَاعُوا أَنْ يَهْجُمُوا عَلَى الصِّينِ عَلَى رَغْمِ بِنَاءِ سورٍ عَظِيمٍ حَوْلَهَا.
مغول ها که به چین حمله کنند، با وجود ساختن بزرگی پیرامون آن.

التمرين السادس عشر: أَكْتُبِ الْمَحَلَّ الإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ.

- ٤٧٠- زَجَّ اللَّاعِبُونَ الْإِيرَانِيِّونَ مِنَ الْمَسَابَقَةِ مُبْتَسِمِينَ.
٤٧١- ﴿خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفاً﴾
٤٧٢- أَشَاهِدُ قَاسِماً وَ هُوَ جَالِسٌ بَيْنَ الشَّجَرَتَيْنِ.
٤٧٣- إِنَّ تَلَقُّطَ «گ» مَوْجُودٌ فِي اللَّهْجَاتِ الْعَرَبِيَّةِ الدَّارِجَةِ.
٤٧٤- قَدْ يَذْكُرُ الْأُسْتَاذُ تَلَامِيذَهُ الْقَدَمَاءَ.
٤٧٥- يُصَادُّ الْحَوْتُ لِاسْتِخْرَاجِ الزَّيْتِ مِنْ كَبِدِهِ.
٤٧٦- تُمنَحُ جَائِزَةُ نوبَلٍ فِي كُلِّ سَنَةٍ إِلَى مَنْ يُفِيدُ الْبَشَرِيَّةَ.
٤٧٧- أَصْبَحَ نوبَلٌ حَزِيناً فَقَامَ بِنِوَاءٍ مُؤَسَّسَةٍ لِتَمْنَحِ الْجَوَائِزَ الشَّهِيرَةَ.
٤٧٨- مَنْ أَذْنَبَ وَ هُوَ يَضْحَكُ دَخَلَ النَّارَ وَ هُوَ يَبْكِي.

التمرين السابع عشر: اجْعَلْ كُلَّ كَلِمَةٍ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ مِنَ الْجَدُولِ.

٤٧٩-

تَخْرِيب - أَغْنَى - مَصْنَع - مُسَلَّحَةٌ - سُمِّيَ - لَهْجَات - مَمْلَكَةٌ - تَفْجِير - مُجَدِّ - إِعْمَار - نَافِع - عَشْرَات - مَمَرٌ -
أَهْوَنَ - يُصَادُّ - عَلَامَةٌ - مُخْتَرَعٌ - أَصْغَرُ - صَبَّارٌ - مَسْرُورٌ - مُخْتَلِطٌ - قَنَوَاتٌ - يُمنَحُ - رَزَاقٌ

جمع السَّالِم	اسم الفاعل	اسم المفعول	اسم المكان	اسم المبالغة	اسم الفعل المجهول	اسم التفضيل	المصدر من مزيد ثلاثي

التمرين الثامن عشر: اِنتَخِبِ الصَّحِيحَ فِي الإِعْرَابِ وَ التَّحْلِيلِ الضَّرْفِيِّ لِلْكَلِمَاتِ.

■ «كَانَ غَرَضُ نوبَلٍ مِنْ إِخْتِرَاعِهِ مُسَاعَدَةَ الْإِنْسَانِ فِي الإِعْمَارِ».

٤٨٠- كَانَ:

□ (١) فعل ماضٍ - للمفرد المذكر - مجرّد ثلاثي / فعل من الأفعال الناقصة

□ (٢) فعل ماضٍ - للمفرد الغائب - له ثلاثة حروف أصليّة / فاعله «غرض»

سؤالات امتحان نهایی

بخش اول: واژگان

الاول: ترجم الكلمات التي تحتها خط:

- ٤٩٢- شَعَرَ نوبل بِالذَّنْبِ وَ بِخِيَّةِ الْأَمَلِ.
 ٤٩٣- سَاعَدَ الدِّينَامِيْتُ الْإِنْسَانَ فِي مَجَالِ الْإِعْمَارِ.
 ٤٩٤- أَقْبَلَ عَلَى شِرَاءِ الدِّينَامِيْتِ رُؤَسَاءُ شَرِكَاتِ الْبِنَاءِ.
 ٤٩٥- اِنْتَشَرَ الدِّينَامِيْتُ فِي جَمِيعِ أَنْحَاءِ الْعَالَمِ.
 ٤٩٦- بَنَى مُخْتَبَرًا صَغِيرًا لِيَجْرِيَ فِيهِ تَجَارِبَهُ.
 ٤٩٧- وَاضَلَ الْفَرْدَ عَمَلَهُ دَوَّوْبًا.
 ٤٩٨- عَمِلَ الْفَرْدَ عَلَى تَطْوِيرِهَا مَجْدًا.
 ٤٩٩- هَذِهِ الْحَادِثَةُ لَمْ تُضْعِفْ عَزَمَهُ وَ هُوَ كَانَ يُوَاصِلُ عَمَلَهُ دَوَّوْبًا.
 ٥٠٠- لِلتَّقْنِيَّةِ وَجْهٌ نَافِعٌ وَ وَجْهٌ مُضِرٌّ.
- (دی ۱۴۰۱)
 (شهریور ۱۴۰۱ و ۹۹)
 (خرداد ۱۴۰۱ و دی ۹۷)
 (دی ۱۴۰۰)
 (شهریور ۱۴۰۰)
 (خرداد ۱۴۰۰)
 (دی ۹۹)
 (خرداد ۹۹، دی ۹۸)
 (شهریور ۹۸)

الثاني: ترجم الأفعال التي تحتها خط:

- ٥٠١- ﴿ خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا ﴾ (دی ۱۴۰۰)
 ٥٠٢- أَلْفَرْدُ نُوْبِلِ كَانَ قَدْ شَعَرَ بِخِيَّةِ الْأَمَلِ فَقَدْ بَنَى مُؤَسَّسَةً. (دی ۹۹)
 ٥٠٣- أَلْفَرْدُ نُوْبِلِ كَانَ قَدْ بَنَى مُخْتَبَرًا صَغِيرًا لِيَجْرِيَ فِيهِ تَجَارِبَهُ. (شهریور ۹۹)
 ٥٠٤- إِنَّهُ كَانَ قَدْ عَلَّمَ تِلَامِيذَهُ وَ قَدْ يَذْكُرُهُمْ. (شهریور ۹۸)

(شهریور ۱۴۰۱، ۱۴۰۰ و ۹۸، دی ۹۷)

الثالث: عيّن المُتضَادَّ وَ المُتَرَادِفَ (كلمة زائدة)

سَهْلٌ - الرَّجَاءُ - الطَّوِيلُ - الْأَنْفَاقُ - التَّخْرِيْبُ - الْقَصِيرُ - خِيْبَةُ الْأَمَلِ - صَعَبٌ - الْإِعْمَارُ

..... ٥٠٥

..... ٥٠٦

..... ٥٠٧

..... ٥٠٨

..... ٥٠٩

..... ٥١٠

..... ٥١١

..... ٥١٢

الرابع: اكتب الجمع أو مفرد الكلمات التي تحتها خط:

- ٥٠٩- وُلِدَ فِي مَمْلَكَةِ السُّوَيْدِ صَبِيٌّ
 ٥١٠- التَّلَالُ إِلَى سُهولٍ صَالِحَةٍ لِلزَّرَاعَةِ
 ٥١١- مَقْدَارُهُ بَلَغَ أَرْبَعِينَ طَنًا
 ٥١٢- الْحَقْلُ
 (خرداد ۱۴۰۱)
 (دی ۱۴۰۰)
 (دی ۹۹)
 (شهریور ۹۹)

الخامس: انتخب كلمةً صحيحةً تُناسِبُ التوضيحات التالية: (كلمة زائدة)

القناة - الفيزياء - الدُّووب - جِزَامُ الْأَمَانِ - التَّلُّ - التَّنْقِيقُ - الْجَرَادَةُ

- ٥١٣- الَّذِي يَسْعَى فِي إِنْجَازِ عَمَلِهِ وَ لَا يَشْعُرُ بِالتَّعَبِ.
 ٥١٤- مِنْطَقَةٌ مُرْتَفَعَةٌ أَصْغَرَ مِنَ الْجَبَلِ.
 ٥١٥- عَلِمَ يَبْحَثُ عَنْ خَصَائِصِ الْمَوَادِّ وَ الظَّوَاهِرِ الطَّبِيعِيَّةِ وَ الطَّاقَةِ.
 ٥١٦- مَمَرٌ تَحْتَ الْأَرْضِ أَوْ فِي الْجَبَلِ طَوْلُهُ أَكْثَرُ مِنْ عَرْضِهِ، لَهُ مَدْخَلٌ وَ مَخْرَجٌ.
 ٥١٧- شَرِيطٌ يَسْتَعْمَلُهُ رُكَّابُ الطَّائِرَاتِ وَ السَّيَّارَاتِ لِلتَّجَاةِ مِنَ الْخَطَرِ.
 ٥١٨- حَشْرَةٌ تَأْكُلُ الْمَحَاصِلَ الزَّرَاعِيَّةَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَقْفِزَ مِترًا وَاحِدًا.
 (دی ۱۴۰۱ و ۹۸، خرداد ۱۴۰۰ و ۹۹)
 (خرداد ۱۴۰۱، شهریور ۹۹)
 (دی ۱۴۰۰، خرداد ۹۸)
 (دی ۹۹)
 (دی ۹۹)
 (شهریور ۹۹)

بخش دوم: ترجمه عبارات

السادس: ترجم العبارات إلى الفارسية:

- ۵۱۹- ﴿و لا تهنوا و لا تحزنوا و أنتم الأعلى﴾
 ۵۲۰- أعقل الناس أنظرهم في العواقب.
 ۵۲۱- سهّل الديناميت أعمال الإنسان الصعبة في شقّ القنوات.
 ۵۲۲- ﴿الذين يقيمون الصلاة ... و هم راكعون﴾
 ۵۲۳- أقبل على شراء الديناميت رؤساء شركات البناء و المناجم و القوات المسلحة.
 ۵۲۴- واصل ألفرد عمل تطوير الديناميت ذؤوباً.
 ۵۲۵- إن الحفّاش هو الحيوان اللبون الوحيد الذي يقدر على الطيران.
 ۵۲۶- بنى نوبل مؤسّسة لمنح الجوائز الشهيرة باسم جائزة نوبل.
 ۵۲۷- هذه الحادثة لم تضعف عزمه، فقد واصل عمله ذؤوباً.
 ۵۲۸- عمِل ألفرد على تطوير الديناميت مجدداً ليمنع انفجارها.
 ۵۲۹- كان غرض نوبل من اختراعه مساعدة الإنسان.
 ۵۳۰- تُمنح جائزة نوبل في كلّ سنة إلى من يُفيد البشرية.
 ۵۳۱- ﴿إنا لا نضيع أجر من أحسن عملاً﴾
 ۵۳۲- شعر نوبل بالذنب و بحياة الأمل من هذا العنوان و بقي حزيناً.
 ۵۳۳- قد استفاد الإنسان من الديناميت و سهّل أعماله الصعبة في حفر الأنفاق.
 ۵۳۴- ﴿كان الناس أمة واحدة فبعث الله النبيين مبشرين﴾
 ۵۳۵- ﴿يا أيها النفس المطمئنة ارجعي إلى ربك راضية مرضية﴾
 ۵۳۶- هو منّ ثروته لشراء الجوائز الذهبية لكي يصحّ خطأه.
 ۵۳۷- هل تعلم أنّ الزرافة بكما ليست لها أحبال صوتية؟
 ۵۳۸- هو بنى مختبراً صغيراً ليُجري فيه تجاربه.
 ۵۳۹- خاف نوبل أن يذكره الناس بالسوء بعد موته.
 ۵۴۰- إنّ الحوت يُصاد لاستخراج الزيت من كبده لصناعة موادّ التجميل.
 ۵۴۱- اخترع نوبل مادة «الديناميت» التي لا تنفجر إلّا بإرادة الإنسان.
 ۵۴۲- لم يكن غرض نوبل من اختراع الديناميت إشاعة الحروب.

السابع: انتخاب الترجمة الصحيحة:

- ۵۴۳- أشاهد قاسماً و هو جالس بين الشجرتين.
 (۱) قاسم را دیدم در حالی که میان دو درخت نشسته بود.
 (۲) قاسم را می‌بینم در حالی که میان دو درخت نشسته است.
 ۵۴۴- ﴿و لا تهنوا و لا تحزنوا و أنتم الأعلى﴾
 (۱) و سست نمی‌شوید و ناراحت نمی‌شوید حال آن‌که شما برترید.
 (۲) و سست نشوید و اندوهگین مبادید در حالی که شما برترانید.
 ۵۴۵- هل تعلمين أنّ ورقة الزيتون رمز السلام؟
 (۱) آیا می‌دانی که برگ زیتون نماد آشتی است؟
 (۲) آیا می‌دانید که برگی از زیتون سمبل صلح می‌باشد؟

الثامن: كمل الفراغات في الترجمة الفارسية:

- ۵۴۶- إنّ دنیاگم عندي لأهون من ورقة في فم جرادة تقضمها.
 بی‌گمان دنیایان نزد من از در دهان ملخی که آن را می‌جود،
 ۵۴۷- هل تُعطى الجوائز اليوم لمن هو أهل لذلك؟
 آیا امروزه جایزه‌ها به کسی که آن است؟

۴۴۱. جملۀ حالیه: «أنتم الأعلون» - ترجمه: سست نشوید و ناراحت نشوید، در حالی که شما برتر هستید.

۴۴۲. جملۀ حالیه: «هم راکعون» - سرپرست شما فقط خدا و فرستاده‌اش و کسانی هستند که نماز را بر پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌پردازند.

۴۴۳. جملۀ حالیه: «هو یضحك» «هو یبكي» - ترجمه: هر کس گناه کند، در حالی که می‌خندد وارد آتش (جهنم) می‌شود، در حالی که گریه می‌کند.

۴۴۴. جملۀ حالیه: «هم یشتغلون بالجوال» - ترجمه: اعضای خانواده نشستہ بودند، در حالی که با موبایل کار می‌کردند.

۴۴۵. جملۀ حالیه: «هي تدافع» - ترجمه: این ماهی با بچه‌هایش می‌رود، در حالی که از آن‌ها دفاع می‌کند.

۴۴۶. گزینه «ب»

خطای گزینه (الف): پیامبران بشارت‌دهنده («الأنبياء» معرفه و «مُشرین» نکره است؛ بنابراین این دو کلمه موصوف و صفت نیستند، بلکه مرجع حال و حال می‌باشند و نباید کنار هم ترجمه بشوند.)

۴۴۷. گزینه «ج»

خطاهای سایر گزینه‌ها:

الف) با خشنودی («راضیه»: با خشنودی) حالت «الطالبة» را در حین وقوع فعل «تكتب» بیان می‌کند نه «تساعد»؛ بنابراین جابه‌جا ترجمه شده است.

ب) تکلیفش («واجبات: تکالیف» جمع است نه مفرد!) - در حالی که به مادرش کمک می‌کند («تساعد أمها» جملۀ حالیه نیست و «و» قبل از آن واو حالیه نیست؛ بنابراین «در حالی که» نادرست است!)

۴۴۸. گزینه «ج»

خطاهای سایر گزینه‌ها:

الف) برای کار برخیز («قُم» به تنهایی یعنی «برخیز»، اما وقتی فعل «قام» در کنار حرف «ب» قرار می‌گیرد معنای «پرداختن به کار» پیدا می‌کند؛ بنابراین «قُم ب» یعنی «بپرداز!» ضمناً ضمیر «ك» در «عملك» ترجمه نشده است. - تا تکیه نکنی (معادل فعل نهی «و لا تتوكل» و تکیه نکن نیست!)

ب) وقتی تنهایی («وقتی» معادلی ندارد) - دیگران (معادل «الناس: مردم» نیست!)

۴۴۹. گزینه «الف»

خطاهای سایر گزینه‌ها:

ب) که ایستاده بودند («المسافرين الواقفين: مسافران ایستاده» موصوف و صفت (معرفه + معرفه) هستند و باید در کنار هم ترجمه شوند!)

ج) مسافرانی را ... ایستاده (مانند «ب»، ضمناً «المسافران» معرفه است نه نکره!)

۴۵۰. گزینه «ب»

خطاهای سایر گزینه‌ها:

الف) ناتوان را («ضعیفاً» در این عبارت حال است نه مفعول!) - آفرید («خُلِقَ» آفریده شد» مجهول است نه معلوم.)

ج) انسان را («الإنسان» در این عبارت نایب فاعل است نه مفعول!) - آفرید (مانند الف)

۴۵۱. گزینه «ب»

خطاهای سایر گزینه‌ها:

الف) مغولان متجاوز («المغول» معرفه و «معتدين» نکره است؛ بنابراین این دو کلمه موصوف و صفت نیستند، بلکه مرجع حال و حال می‌باشند و نباید کنار هم ترجمه بشوند.)

ج) چینیان (معادل «الصين: چین» نیست!)

۴۵۲. فناوری یک روش یا هنر در انجام یک کار است.

۴۵۳. تونل راهرویی زیر زمین یا در کوه است که یک ورودی و یک خروجی دارد.

۴۱۶. شَقَّ (شکافتن کانال‌ها وقت زیادی می‌گیرد).

۴۱۷. يُصَادُّ (نهنگ برای ساخت مواد آرایشی صید می‌شود).

۴۱۸. صَيَّقَ (این راه تنگ است، بنابراین دو ماشین نمی‌توانند با هم از آن عبور کنند).

۴۱۹. تُضَيِّفُ

ترجمۀ عبارت: «تصميم گرفتیم روشی را که معلّمان آن را پیشنهاد داده بود،»!

ترجمۀ گزینه‌ها: نُطَوِّرُ: بهینه‌سازی کنیم - نُجَرِّي: اجرا کنیم - نُضَعِفُ: ضعیف کنیم - نُضَحِّجُ: تصحیح کنیم

۴۲۰. حال: «مبتسماً»

تکمیل ترجمه: لبخندزنان («مبتسماً»)

۴۲۱. حال: «متأخّرين»

تکمیل ترجمه: با تأخیر («متأخّرين»)

۴۲۲. حال: «ضعيفاً»

تکمیل ترجمه: ضعیف («ضعيفاً» - آفریده شده («خُلِقَ»؛ ماضی مجهول)

۴۲۳. حال: «دؤوباً»

تکمیل ترجمه: آزمایشگاه («المختبر» - با پشتکار («دؤوباً» - ادامه داد («واصل»)

۴۲۴. حال: «مشتاقتين»

تکمیل ترجمه: با اشتیاق («مشتاقتين» - گردش («جولة»)

۴۲۵. حال: «راضية» - «مرضیة»

تکمیل ترجمه: آرام گرفته («المطمئنة» - در حالی که راضی و مورد رضایت هستی («راضیة مرضیة»)

۴۲۶. حال: «سريعة»

تکمیل ترجمه: به سرعت («سريعة»)

۴۲۷. حال: «نشیطاً»

تکمیل ترجمه: فعالانه («نشیطاً» - کار می‌کند («یشتغل»)

۴۲۸. حال: «خاسراً»

تکمیل ترجمه: با دورویی («بوجهين» - زیانکار («خاسراً»)

۴۲۹. حال: «مُقْتَدِرًا»

تکمیل ترجمه: قوی‌ترین («أقوى» - مقتدرانه درگذرد («عفا ... مقتدراً»)

۴۳۰. حال: «حَيًّا»

تکمیل ترجمه: زنده («حياً» - منتقل شود («نُقِلَ»؛ این فعل ماضی است، اما به دلیل حضور حرف «ان» می‌توانیم آن را به شکل مضارع ترجمه کنیم!)

۴۳۱. حال (معرفه + نکره) - دخترک با خوشحالی به اتاق وارد شد.

۴۳۲. صفت (نکره + نکره) - دخترکی خوشحال به اتاق وارد شد.

۴۳۳. صفت (معرفه + معرفه) - شیمی‌دان کوشا روی بهینه‌سازی این ماده کار کرد.

۴۳۴. حال (معرفه + نکره) - شیمی‌دان با کوشش روی بهینه‌سازی این ماده کار کرد.

۴۳۵. حال (معرفه + نکره) - به کارت در حالی که برای بشریت سودمند است، ادامه بده.

۴۳۶. صفت (معرفه + معرفه) - به کار مفیدت برای بشریت ادامه بده.

۴۳۷. حال (معرفه + نکره) - رطوبت از خاک که با آب مخلوط بود از بین رفت.

۴۳۸. صفت (نکره + نکره) - تماشاچیان بازیکنان برنده‌ای را که از ورزشگاه خارج می‌شوند، تشویق می‌کنند.

۴۳۹. حال (معرفه + نکره) - نیکوکار، زنده باقی می‌ماند، اگرچه به خانه‌های

مردگان منتقل شود.

۴۴۰. حال (معرفه + نکره)؛ دقت کنید که «محمّداً» اسم علم و معرفه است! - محمد

را خوشحال از نتایج امتحان‌ها دیدم.

ع	اقرأ النص التالي ثم أجب عن الأسئلة التالية. « كان المزارع يربي في مزرعته أنواع الطيور. ذات يوم لاحظ أن عدد أفراخ الطيور ينقص تدريجياً. إنه كان يراقب المزرعة ليلاً و نهاراً. فلاحظ أن عدداً من البومات تسكن قرب المزرعة.» ٥٠- من ربي أنواع الطيور في المزرعة؟ ٥١- كيف كان ينقص عدد أفراخ الطيور في المزرعة؟ ٥٢- متى كان المزارع يراقب المزرعة؟ ٥٣- أين كانت البومات تسكن؟	١
	«موفق باشيد»	جمع نمرات
		٢٠

امتحان نهایی: عربی، زبان قرآن (۳)		رشته: ادبیات و علوم انسانی	تاریخ امتحان: دی ۱۴۰۱	ردیف
امتحان شماره ۵	پایه دوازدهم دوره دوم متوسطه	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه	نمره	
الف	ترجم الكلمات التي تحته خطاً: ١- لا تطعموا المساكين مما لا تأكلون. ٣- إفلأ الدنيا سلاماً شاملاً. ٢- شَعَرَ نوبل بِالذَّنْبِ وَ بِخَيَبَةِ الْأَمَلِ. ٤- تَلَوْتُ الْهَوَاءَ مِنْ مُهَذَّاتِ الطَّبِيعَةِ.		١	
ب	عَيِّنِ الْمُتَضَادَّ وَ الْمُتَرَادِفَ: (كلمتان زائدتان) «السَّيْنِ - الدَّاء - الرِّدَاء - الأغوام - الشَّفاء - الحَطَّ» ٥- = ... ٦- ≠		٥/٥	
ج	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ فِي الْمَعْنَى: ٧- الف الإخوة (ب) الأمهات (ج) الأجداد (د) الآبار (هـ) الأخوات		٢٥/٥	
د	أَكْتُبْ مُفْرَدَ الْكَلِمَةِ التَّالِيَةِ: ٨- عَدَدُ الْفَرَاخِ يَنْقُصُ تَدْرِيجِيًّا:		٢٥/٥	
هـ	ترجم العبارات التالية إلى الفارسية: ٩- ﴿... لا علم لنا إلا ما علمتنا ...﴾ ١٠- ﴿و لا تهتوا و لا تحزنوا و أنتم الأعلىون﴾ ١١- أعقل الناس أنظرهم في العواقب. ١٢- و أنز عقلي و قلبي / بالعلوم التافعات. ١٣- يا بُنَيَّ! لا ثقل ما لا تحب أن يقال لك. ١٤- تهجم البومات على الفئران هجوماً في الحقل. ١٥- فسيلة الجوز لا تثمر عادةً إلا بعد عشر سنواتٍ؟! ١٦- كل وعاء يضيئ بما جعل فيه إلا وعاء العلم؛ فإنه يتسع. ١٧- أ نزعم أنك جرم صغير / و فيك انطوى العالم الأكبر. ١٨- سهّل الديناميت أعمال الإنسان الصعبة في شق القنوات. ١٩- قال الحبير: «إنك تعديت على نظام الطبيعة تعدّي الظالمين.»		٥/٥ ٧٥/٥ ٧٥/٥ ٥/٥ ٧٥/٥ ٧٥/٥ ٥/٥ ٧٥/٥ ٧٥/٥ ٧٥/٥ ٧٥/٥	